

توطئه های سیاسی، جاسوسی و یک متن شیعی در دست موريسکوها

خوزه فرانسیسکو کوتیاس^۱

مترجم: مریم متقی^۲

چکیده

این مقاله^۳ قصد دارد تا رویکرد جدیدی برای درک بهتر متن " وقایع و تاریخچه مربوط به خاندان شریف " ارائه دهد. این متن که یک متن (نسخه خطی) منحصر به فرد شیعی محسوب می شود از آخرین گروه مسلمان اسپانیایی در تونس به جای مانده است. موضوع بحث بنده این است که با توجه به تحقیقات اخیری که توسط لوئیس برنابه انجام گرفته است، می توان دریافت که شاید موريسکوها در کشور تونس برای خاندان سلطنتی اسپانیا جاسوسی می کرده اند. اگر چنانچه این احتمال به اثبات برسد این مسئله، تاثیرات جدی بر روی درک ما از روابط بین اسپانیا و ایران در قرن هفدهم خواهد داشت.

کلید واژه ها : موريسکوها؛ تونس؛ مقتل؛ شیعه دوازده امامی؛ امام حسین (ع)، پادشاهی اسپانیا؛ سلسله صفوی؛ امپراطوری عثمان؛ نسخ خطی

مقدمه

وقایع و تاریخچه مربوط به خاندان شریف [سادات]؛ کسانی که از نسل علی ابن ابی طالب هستند؛ درگذشت حسین - رحمت خدا بر او باد - و همه ی آن هایی که پس از او آمدند.

جملات فوق خلاصه ای از متنی مربوط به قرن هفدهم موسوم به متن کرونیکا می باشد. کرونیکا یکی از سه متن موجود در نسخه ی خطی MS D ۵۶۵ می باشد. این نسخه خطی در کتابخانه دانشگاه بولونیا^۱ در ایتالیا نگهداری می شود. کرونیکا در

ص: ۱

^۱. دانشگاه آلیکانت، آلیکانت، اسپانیا، بخش مربوط به فقه اللغة jose.cutillas@ua.es

^۲. کارشناس ارشد آموزش زبان انگلیسی.

^۳. منتشر شده در مجله مطالعات اسلامی شیعه (لندن)، ۵، ش ۱، زمستان ۱۳۹۱.

اصل به جامعه ی موریسکوها بر می گردد که به کشور تونس مهاجرت کرده بودند. هدف اصلی این متن تشریح سببای اخلاقی فرزندان علی و همچنین نقل وقایع مربوط به درگذشت حسین می باشد. این متن از این جهت برای ما جالب است که ما هرگز انتظار نداشتیم که چنین اثری را در محیطی سنی مذهب و به زبان اسپانیولی بیابیم. اهمیت این متن همچنین به این دلیل است که اگر چنانچه اعتقادات شیعی در میان موریسکوها رواج داشته است می توان دریافت که شاید در فاصله زمانی قرون هشتم تا شانزدهم، افرادی شیعی مذهب در آندلس [اسپانیا و پرتغال امروزی] زندگی می کرده اند.ⁱⁱ

بیشتر پژوهش های علمی انجام گرفته توسط موریسکوها از نیمه دوم قرن دوازدهم به بعد حول محور جامعه موریسکوها در کشور تونس بوده است. این تحقیقات به مسائلی همچون سیاست های حمایت از امپراطوری عثمانی، محله های جدیدی که موریسکوها در آن سکنی گزیدند، نحوه ی ادغام آن ها با جامعه، اشتغال و زندگی علمی آن ها، میراث آن ها در اسامی مکان ها، برنامه ها، کشاورزی و زبان آن ها پرداخته است.ⁱⁱⁱ

تحقیقات بسیار خوبی نیز در زمینه ی ادبیات موریسکو به زبان اسپانیولی صورت گرفته است. ادبیات اسپانیولی نوشته شده به حروف عربی (الجامیادو به معنی زبان خارجی اقتباس از واژه عربی عجمیه)^{iv} از جمله ی آن هاست. با این وجود، هیچ یک از این تحقیقات این باور را ایجاد نمی کند که شیعیانی در میان موریسکوها حضور داشتند. بنابراین وجود کرونیکا چالشی برای درک ما ایجاد کرده است.

نخستین تحقیق در مورد کرونیکا توسط ژوان پنلا در سال ۱۹۷۲ انجام گرفته است و بیشتر بر مطالب شیعی آن تاکید دارد.^v سپس تحقیق بنده بر روی این موضوع^{vi} آغاز شد که حتی پیش از نخستین چاپ کرونیکا (هرچند ناقص) صورت گرفت.^{vii} هدف اصلی این مقاله بررسی اصول اعتقادی شیعه که در کرونیکا منعکس شده است می باشد. این مقاله همچنین با ارائه ی فرضیه هایی سعی دارد تا ما را در شناخت دقیق از جامعه ی موریسکوها یاری کند. بنده در ابتدا قصد دارم تا خلاصه ای از تاریخچه ی مربوط به موریسکوها و کرونیکا ارائه دهم. سپس با معرفی افرادی شیعی مذهب در کرونیکا توضیح خواهم داد که کرونیکا را نباید تنها یک متن آموزشی و ادبی انگاشت. و در پایان، فرضیه هایی را ارائه خواهم داد که این متن را در بافتی وسیع و بین المللی در قرن هفدهم میلادی مورد بررسی قرار می دهد. موضوع بحث بنده این است که با توجه به تحقیقات اخیر که توسط لوئیس برنابه^{viii} صورت گرفته است، می توان دریافت که شاید موریسکوها در تونس برای خاندان سلطنتی اسپانیا جاسوسی می کرده اند. اگر چنانچه این احتمال به اثبات برسد این مسئله پیامدهای جدی برای درک ما از روابط بین اسپانیا و ایران در قرن هفدهم خواهد داشت.

موريسکوها آخرين باقىمانده ي جامعه مسلمانان اسپانيايى بودند که پس از رو آوردن اجبارى به دين مسيحيت در اوایل قرن شانزده (۱۵۰۲-۱۴۹۹) در گرانادا و کاستيلا سکنى گزیدند. آنها در سال ۱۵۱۵ در ناوارا و در سال ۱۵۲۶ در آرگون و والنسيا ساکن بودند. ايمان آوردن اجبارى به مسيحيت، به يکباره به حضور قانونى مسلمانان در اسپانيا پايان داد. ولى در سال ۱۶۰۹ على رغم اين که روى آوردن اجبارى به مسيحيت متوقف شده بود، جامعه ي موريسکوها از کشور اسپانيا به بيرون رانده شدند. بعد از آن بود که يک جامعه ي پراکنده از آنها در کشورهاى حاشيه دريائى مديتراانه از جمله فرانسه، ايتاليا، امپراطورى عثمان و به ويژه در شمال آفريقا شکل گرفت.

بخش اعظمى از اين جامعه ي پراکنده براى داشتن امنيت بيشتر در ريجنسى تونس سکنى گزیدند. در آن زمان، امپراطورى عثمان به رهبرى سلطان احمد اول (۱۶۱۷-۱۶۰۳) زمام امور را در تونس به عهده داشت. عثمان دى - فرماندار وقت - به همراه عارفى به نام ابوغيث القشش نقش مهمى در استقرار آنها در اين کشور ايفا کردند. ابوغيث از حاميان اصلى موريسکوهايى بود که از اسپانيا طرد شده و در تونس پناه گرفته بودند.^{i x}

کرونيکا به احتمال زياد در ابتدا يک اثر عربى بوده که به زبان اسپانيولى ترجمه شده است. طبق خود متن، ترجمه اين اثر در سال ۱۶۳۹ (۱۰۴۹ هجرى قمرى) تکميل شده است.^x ترجمه آن يا در شهر تونس و يا در تستور انجام شده است. تستور يکى ديگر از شهرهاى تونس مى باشد که در واقع توسط خود موريسکوها بازسازى شده است. نسخه خطى اين اثر بعد از چندين سال سر از کتابخانه دانشگاه بولونيا در ايتاليا در آورد اما معلوم نيست که اين مسير را چگونه طى کرده است. اين نسخه خطى تنها نسخه شناخته شده از اين متن به شمار مى رود. اين نسخه خطى هيچ اطلاعاتى درباره نويسنده اين اثر ارائه نکرده است. تنها اطلاعاتى که در دست مى باشد اين است که محمد روييواز شهر ويلاوليج صاحب نسخه خطى MS D ۵۶۵ بوده است. او بازرگان ثروتمندى بود که هزينه ترجمه کرونيکا را تقبل کرده بود. علاوه بر اين، ما گروهى از علمائى موريسکو را در تونس مى شناسيم که از دانش زيادى در حوزه ي ادبيات عرب برخوردار بوده و آثار مرتبلى را از عربى به اسپانيولى ترجمه نموده اند. محمد بخارانو تيبيللى يکى از اعضاى اين گروه مترجم بود. شايد او هم يکى از مترجمين کرونيکا باشد.^{xi} مطلب ذيل که در يکى از نسخه هاى خطى تيبيللى آمده است شاهده بر اين مدعاست [برگ ۱۱۸ پ].

بنده نيز مطالبى از زبان عربى به کاستيلى ترجمه کرده ام که جملگى به شکل نظم بوده اند. اشعارى پيرامون درگذشت حسن ابن على ابن ابى طالب که درود خدا بر او باد از جمله ي آنهاست. اين اشعار جزء بهترين و قوى ترين مطالبى بود که من تا کنون خوانده بودم.^{xii}

گرارد وییگر نیز بر این باور است که تیپیلی مترجم کرونیکا بوده است. وییگر می گوید:

مترجم این کتاب یعنی کانتیکو احتمالا ابراهیم تیپیلی بوده است... تیپیلی در حاشیه این اثر اعلام کرده است که او نخستین نسخه از ترجمه ی متنی از عربی به اسپانیولی را آماده کرده است. متنی که نثری درباره ی درگذشت حسن ابن علی ابن ابی طالب می باشد. xii

با این وجود لوئیس کاردایلاس گفته است که با کمال تأسف هیچ مدرکی دال بر این که تیپیلی مترجم کرونیکا بوده است وجود ندارد. xi v

وجود سوال برانگیز افرادی از اهل تسنن در روایت شیعه

گرچه موضوع اصلی این متن، علی و فرزندان اومی باشد اما به اظهارات عجیبی از اشخاص سنی در این متن بر می خوریم. به عنوان مثال در همان ابتدا و درست بعد از بسم الله، آمده است که:

آغاز کاری این چنینی بدون توکل به خدا که علت تمام علت هاست غیر ممکن است؛ انجام کاری درمورد زندگی و معجزات فرستاده ی او محمد مصطفی و یاران نزدیک او بدون طلب لطف و توجه او ممکن نیست. آمده است که "هیچ کس نباید در مورد یاران نزدیک من [اهل بیت من] بد بگوید. آنها همچون ستارگانی هستند که هر کس آنها را دوست بدارد مرا دوست داشته است و هر کس آنها را دشمن بداند مرا دشمن دانسته است". [برگ ۱ ر]

وجود چنین پاراگرافی در ابتدای یک متن شیعه چه دلیلی می تواند داشته باشد؟ [علاوه بر این] در مورد رویارویی علی و عمر بن الخطاب آمده است:

«روایت شده است که علی بن ابی طالب - درود خدا بر او باد - سوار بر شتر خارج از شهر مدینه بود [که عمر را دید]. او رو به عمر کرد و گفت: ای عمر! تو سنت بدی برای خلفای بعد از خودت به جا گذاشته ای! عمر در جواب گفت: ای علی! اگر از روی سهو کاری را که باید انجام می دادم انجام ندادم آنها برای توضیح به من مراجعه خواهند کرد.» [برگ ۱۶ پ]

سپس نویسنده ی این مطلب به زندگی پیامبر، همسران و فرزندان او و همچنین خلفای چهارگانه پرداخته ولی در ادامه دوازده امام شیعه را فهرست کرده است. [برگ ۲۰ ر]

سپس ما به فرزندان مطهر علی ابن ابی طالب به ترتیب زیر خواهیم پرداخت: الحسن، الحسین، علی زین العابدین، محمد الباقر، جعفر الصادق، موسی الکاظم، علی الرضا، محمد تقی، علی العسکری، حسن الهادی و محمد المهدی که آخرین امام و معروف به امام منتظر می باشد. همه ی این افراد از اصل و نسب محمد مصطفی، علی ابن ابی طالب و فاطمه می باشند. [برگ ۲۱ پ]

اگر چه این متن، لقب نهمین امام شیعه را الکانیه عنوان نموده است اما امکان اشتباه لپی و املائی وجود دارد. این واژه درحقیقت به التقی اشاره دارد. علاوه بر این نکته، کلیه القاب به استثنا جا به جا شدن القاب علی الهادی و حسن العسکری صحیح می باشند. در خلال معرفی شخصیت حسن ابن علی در این متن، ما به نام فرد غیر عادی و عجیبی دیگری بر می خوریم که از او به خوبی یاد شده است. و او نخستین خلیفه ی بنی امیه یعنی معاویه (۶۸۰-۶۰۲) می باشد.

بعد از علی ابن ابی طالب، خلافت به پسر او حسن رسید. شخصیت والای او به گونه ای بود که پس از هفت ماه از خلافتش، او معاویه ابن ابی سفیان را در جایگاه خلافت نشاناد. وبعد از آن بود که طبق گفته ی پیامبر خدا، خلافت به پادشاهی تبدیل شد. معاویه مردی مقدس، درستکار و خدا ترس بود. او در طول حکومت خود، در جنگ با کفار به پیروزی های بسیاری دست یافت. اما این همه خوبی و قداست، [برگ ۲۶ پ] او را از داشتن بدترین فرزندی که یک مادر می تواند به دنیا بیاورد، باز نداشت. در بخش مربوط به درگذشت حسین که درود خدا بر او باد، این مطلب را مورد بحث و بررسی قرار خواهیم داد.

در اینجا [همانطور که مشاهده می کنید]، این متن به جای بیان تاریخ اسلام از دیدگاه تشیع، بیشتر از زاویه سنی نگرانه بدان پرداخته است. این روایت با یزید (۶۸۳-۶۴۵) ادامه پیدا می کند:

زمانی که پسر او [معاویه]، الیزید بر بالین پدر مطهرش که درحال احتضار بود نشست، خدا او [یزید] را مورد لعن و نفرین خود قرار داد. او رو به پدرش کرد و گفت: "پدر! بالاخره لحظه ی مرگ تو نیز فرا رسید!" [برگ ۲۶ ر] پدر مطهرش گفت: "بله فرزندم. همه ی کائنات روزی می میرند!" [برگ ۲۷ پ]

نویسنده چند سطر پایتتر به [لحظاتی بعد از] مرگ معاویه اشاره می کند و این که چگونه یزید از انجام فرامین پدر درباره ی حکومت در جامعه اسلامی سرباز می زند.

داستان از این قرار بود که این کودک پس از مرگ پدربر مسند قدرت نشست. همه ی حاضرین به او تبریک گفتند. سپس او همه ی دارایی موجود در صندوق بیت المال را بین فرماندهان و سربازان خود تقسیم کرد. اما او هیچ علاقه ای به حسین پسر علی ابن ابی طالب که درود خدا بر او باد نداشت. او نه تنها به هیچ یک از وصیت های پدرش عمل نکرد بلکه خلاف آن ها را انجام داد. [برگ ۲۸ پ]

از اینجاست که متن با نگاهی نزدیک به نگرش شیعی به بیان وقایع کربلا و چگونگی درگذشت حسین (برگ ۲۶ ر- ۶۵ پ) در سال ۶۸۰ هجری قمری می پردازد. و از این روست که ما می توانیم کرونیکا را، درست همانند متونی که به زبان عربی، فارسی و ترکی یافت می شود، منبعی در زمینه ی مقتل سرایی قلمداد کنیم.^{xv}

طبق آنچه که از خود متن بر میاید، کرونیکا عمدتاً در روز عاشورا خوانده می شده است. احتمالاً این متن به همراه اشعار روضة الشهداء توسط واعظ کاشفی خوانده می شده است.

و هر کسی که این متن را در روز عاشورا بخواند، خداوند متعال ثواب شهید را به او عطا خواهد کرد. [برگ ۶۴ ر]

فصل سوم کرونیکا از ساختار و هدفی مشابه یک مقتل برخوردار می باشد که در پی تحریک شدید احساسات است. این سبک از ادبیات شاید نمایش هایی که در دوران عصر طلایی در اسپانیا روی پرده بودند را برای موریسکوها به تصویر می کشاند.^{xvi} علاوه بر این، کرونیکا کلیه مفاهیم اعتقادی موجود در یک مقتل از جمله مفهوم شهادت و تقلید (تشبه) را شامل می شود. تشبه از مفاهیمی است که **الزمخشری** (۱۱۴۴-۱۰۷۵)^{xvii} -تئوری پرداز معتزلی مکتب بغداد- آن را به تفصیل مورد بررسی قرار داده است. زمخشری در مجموعه **پندهای قرآن و سنت** در کتاب خود "**الطواق الذهب**"، پیرامون مفهوم تشبه چنین گفته است: کسی که برای حسین اشک بریزد در جهان ابدی به او ملحق خواهد شد. و در کرونیکا چنین می خوانیم:

بنابراین بیایید تا مطالبی درباره ی زندگی و مرگ پر برکت آن ها بخوانیم؛ خوانندگان این مطالب همچون مترجمان و شنوندگان آن، باید فضایل این افراد را به اشتراک بگذارند... [برگ ۶۵ پ]

کسی که تلاش می کند تا خود را شبیه گروهی از مردم کند، گویی که خود عضوی از همان گروه است.^{xviii} مقلد و کسی که از او تقلید می شود هر دو در یک سطح قرار دارند.

رد پای دیگری از تشیع در این متن به چشم می خورد و آن نوع نگاهی است که به امام دوازدهم دارد. از این امام به عنوان امام منتظر یاد شده است. واژه ی منتظر نشانی از غیبت طولانی او دارد. این امام، طبق تایید کرونیکا، رهبری مؤمنین را در جنگ نهایی بر علیه استبداد بر عهده خواهد گرفت:

نام او ابوالقاسم است. او خلیفه است و باتقوا. او دوازدهمین و آخرین امام محسوب می شود. امام **المهدی** همان کسی است که پیامبر خدا آمدنش را از مدتها قبل خبر داده بود. و او در آخر الزمان خواهد آمد تا با سیدنا عیسی [سرور ما حضرت عیسی بن مریم] دیدار کند. در زمان خلافت المعتمد که حاکمی ظالم و مستبد بود، [ابوالقاسم] به پیکره ی سلسه ی [عباسی] ضربه وارد کرده آن را از بین برد. و به همین دلیل [برگ ۸۳ پ] بود که خداوند متعال فرمان غیبت او را از انظار عمومی صادر نمود... خوشبختی و رستگاری از آن کسی خواهد بود که به زمان او برسد و در کنار او قرار گیرد. رستگار کسی است که به دست او به راه راست ایمان آورده و از او پیروی کند. یاران و سربازان او ناپاکی را از چهره ی جهان خواهند زدود و

فساد راکه در همه جای آن ریشه دوانده است از میان خواهد برد. و آن زمانی است که قربانیان ظلم غرامت خواهند گرفت، استبداد پایان خواهد یافت و قدرت از دولت های مستکبر پس گرفته خواهد شد. خوشا به حال کسانی که شاهد آن زمان خواهند بود! [برگ ۸۳ ر]

در جملات فوق، نکاتی در مورد مبانی اصلی شیعه پیرامون امام دوازدهم به چشم می خورد. این که او آخرین امام از فرزندان حضرت محمد می باشد؛ المهدی نام دارد و این که با ظهورش جهان را پر از عدل و داد خواهد کرد از جمله ی این نکات است. اشاره به عناصری سنی مذهب بویژه در ابتدای روایت شیعه امری تعمدی به نظر می آید. هدف آن احتمالا ایجاد یک حس مبهم برای دنباله روی از اکثریت سنی مذهب بوده است. معلوم نیست که آیا مترجم این عناصر را خودش در متن تزییق کرده است و یا او این مطالب را از متن اصلی که اساس کرونیکا بر آن استوار است ترجمه کرده است. اما حدس ما این است که این عناصر غیر مرتبط بعدها وارد این متن نشده اند چرا که نسخه ی دست نویس آن نیز به همین شکل است. تصور ما این است که مترجم این متن، از تسلط و دانش کافی در حوزه ی کاری خود برخوردار بوده و به عدم تطابق بیانات اهل تسنن در درون یک متن شیعی واقف بوده است. این مسئله ذهن ما را به سمت عمل "تقیه" ^{xi x} می برد و این امر خود گواهی بر حضور شیعیانی در میان مورسکوها می باشد که بر امکان اجرای چنین فریضه ای آگاه بودند. لئونارد پی هاروی بر آگاهی جامعه ی مورسکوها از تقیه شهادت داده است. ^{xx} هاروی به نسخه ی خطی الجامیادو متعلق به منسبو دو آروالو (کمبریج ۹،۴۹ MS D.) استناد کرده است که در آن به شبیه سازی مثبت [تقیه] اشاره شده است. ^{xxi} با نگاهی به فتوایی که توسط مفتی اوران در الجزایر برای مورسکوها تصحیح شده بود می توان دریافت که آگاهی از تقیه در آن زمان در اسپانیا وجود داشت. بنابراین این احتمال وجود دارد که این عمل در **ریجنسی** عثمانی تونس نیز شناخته شده بود. ^{xxi i}

کرونیکا به عنوان متنی آموزشی

کرونیکا روایتی است که نکاتی اعتقادی درباره ی شیعه ی اثنی عشری را در بر دارد. شاید در آن زمان این متن برای گروه کوچکی از شیعیان به عنوان یک مقتل کاربرد داشته است. کرونیکا گواهی بر این حقیقت دارد که جامعه ی مورسکوها در تونس و یا دست کم تعدادی از آن ها اشراف کاملی به اصول تشیع داشته اند. کرونیکا چکیده ای از مطالب آموزشی می باشد که با هدف آموزش ارزشهای اخلاقی توصیه شده از طرف خانواده و فرزندان پیامبر اسلام به جامعه مورسکوها تهیه و تدوین شده است. اخلاقیات و مصادیق اخلاقی به احتمال قریب به یقین هدف کرونیکا بوده است.

مترجم این اثر از خوانندگان آن درخواست قرائت فاتحه به عنوان خیرات برای خود و همچنین صاحب کتاب که برای ترجمه ی آن از زبان عربی به اسپانیولی به جمع آوری پول پرداخت تا مسلمانان کشورش بتوانند این اثر را مطالعه کنند، کرده است. [برگ ۶۵ پ]

موريسکوها بعد از ورود به تونس توانستند در مدت زمان کوتاهی جذب جامعه ی عثمانی تونسى ها شوند. آن ها توانستند وارد مشاغل اقتصادی، تجاری و کشاورزی شوند. موريسکوها منافع زیادی نصیب کشور تونس کرده در عين حال به جایگاه اجتماعی خوبی دست پیدا کردند. ولی در این میان، تعارضاتی نشأت گرفته از تفاوت های فرهنگی بویژه به دلیل استفاده ی موريسکوها از زبان اسپانیولی به وجود آمد.

استفاده از زبان اسپانیولی یکی از مشخصات بارز موريسکوها در تونس به شمار می رفت. و این موضوع برای افرادی که عضو جامعه ای اسلامی شده بودند که در آن زبان عربی به دلیل اینکه زبان قرآن است مورد توجه خاص قرار داشته است بسیار حائز اهمیت بود. موريسکوها نه زبان عربی می دانستند و نه آن چنان از آیین های اسلامی سر در می آوردند. و این مسئله مسلمانان تونس را با مشکل مواجه می کرد.^{xxi ii} اما این شرایط دشوار، در شکل گیری و پیدایش یک ادبیات مذهبی و آموزشی در میان موريسکوها نقش داشت. این ادبیات که بر اساس آیین های مذهبی و اسلامی بود در پیروی از فرامین اسلامی به موريسکوها کمک می کرد.

کرونیکا احتمالاً در جذب موريسکوها به جامعه ی ارتودوکس مسلمان آن زمان در آفریقای شمالی نقش داشت. کرونیکا و دیگر متن های موجود در سال ۵۶۵MS D از موضوع و سبک و سیاق یکسانی برخوردار بودند. همه ی آن ها تلفیقی از مطالب دینی و سرگذشت قدیسان بودند که به زبان عربی نبوده بلکه به زبان لاتین و بویژه زبان اسپانیولی نوشته شده بودند. پس از اخراج موريسکوها در سال ۱۶۰۹ همین اتفاق در مورد برخی از کتابهای مکتوب دیگر افتاد.

تصور بر این است که کرونیکا متنی آموزنده برای طبقه ی اصیل جامعه ی مسلمان به شمار می رفته است تا با میراث خود آشنایی پیدا کنند. کرونیکا در واقع متنی آموزشی و ادبی برای شریفیان (یا سادات) محسوب می شده است که همچون محمد رویو، صاحب نسخه ی خطی کرونیکا، و همچنین برخی دیگر از موريسکوها ساکن تونس، از نوادگان پیامبر بوده اند.^{xxi v} در عين حالی که بنده این مطلب را قبول دارم ولی معتقدم که کرونیکا فقط یک متن آموزشی نیست. وجود مطالب آموزشی پیرامون فرزندان محمد نبی در یک جامعه ای که همه با مفاهیم اسلامی و بویژه با نقش سادات آشنایی داشتند، خیلی منطقی به نظر نمی رسد. به عنوان مثال، سادات تونس در میان اعضای دادگاه قضا در شهر تونس نماینده داشتند. با این که شاید شریفیان موريسکو جزو این گروه نبودند اما با توجه به این که آن ها نمایندگانی (نقیب) در دادگاه داشتند با فعالیتهای موجود در جامعه و وضعیت سادات آشنا بودند.^{xxv}

استاد میکل دو اپالزا [استاد مطالعات عرب و اسلام از دانشگاه آلیکانته] شواهد و مدارکی مبنی بر این که موريسکوها از وضعیت فرزندان پیامبر مطلع بودند ارائه کرده است. دو اپالزا با مطالعه ی پرونده های بایگانی شده در کنسولگری فرانسه در تونس دریافت که عنوان "شریف" به اعضای مهم جامعه ی موريسکوها در تونس اطلاق می شده است. به عنوان نمونه شاریفو مامت [محمد]، مامت پاریسو، سید مامت شاریفو، شریف آندلسی، یوسف شریفو آندلسی، بلساسوم سیاییس شاریفو از این دست اسامی به شمار می روند.^{xxvi} دو اپالزا همچنین نشان داد که فردی با نام محمد بن عبد الرافع بن محمد الشریف الحسینی الجعفری المرسی آندلسی که از فرزندان پیامبر بوده، به عنوان یکی از سادات از نسب خود به طور کامل خبر

داشت. این شخص حتی در اسپانیا و پیش از ورود به تونس از وضعیت خود آگاه بوده است. او کتابی جالب پیرامون فرزندان پیامبر تحت عنوان "الانوار النبویه فی آباء خیر البریه" ^{xxvi i} به رشته ی تحریر در آورده است. کتاب عبد الرافع به آن دسته از **نوادگان** پیامبر می پردازد که ابتدا به آندلس آمده و بعد اسپانیا را به قصد تونس ترک کردند. این گونه به نظر می رسد که در قرن هفدهم موریسکوهای ساکن تونس، برای آشنا شدن با میراث و اصل و نسب خود به کرونیکا احتیاج نداشتند چرا که خود از قبل به آن واقف بودند. از این رو چیزی که ضروری به نظر می رسد این است که با نیم نگاهی به شرایط بین المللی آن زمان به درک بهتری از ظهور کرونیکا در محیطی سنی دست پیدا کنیم.

آیا کرونیا یک متن سیاسی محسوب می شود؟

همان گونه که بکتاش استدلال کرده است، هدف اصلی حمایت دولت از تعزیه در دوره حکومت آل بویه، مخالفت با قدرت و استقرار اهل تسنن بود. ^{xxvii i} اگر چه کرونیکا هفت قرن پس از دوره ی آل بویه و هم زمان با حکومت صفویان در ایران نوشته شده بود، ولی کاملاً منطقی به نظر می رسد که کرونیکا نیز بخشی از سیاست حمایتی دولت از فعالیت های شیعیان بوده است. اگر ما روابط پیچیده ی میان اسپانیا، امپراتوری عثمانی و حکومت صفویه در قرن شانزدهم و هفدهم را از یک طرف و منافع متناقض قدرت های جهانی در دریای مدیترانه را از طرف دیگر مورد بررسی قرار دهیم، به احتمال زیاد به این نتیجه خواهیم رسید که متن کرونیکا و همچنین مترجم آن، نقش مهمی در راهبرد هایی که جاسوسان [اسپانیایی] به منظور ایجاد بی ثباتی در دوره حکومت امپراتوری عثمانی و بویژه دردوره ی سلسله ی مرادی (۱۶۳۱-۱۷۰۲) در تونس در پیش گرفته بودند، ایفا کردند.

مدارکی دال بر حضور فعال جاسوسان اسپانیایی در میان موریسکوها موجود است. ^{xxix} برنابه به افرادی چون لوئیس زاپاتا و گابریل دو کارمونا اشاره کرده است که در راستای تامین منافع اسپانیا، در شمال آفریقا برای پادشاهی این کشور به جاسوسی می پرداختند. ^{xxx} علاوه بر این، از سوی کشور اسپانیا تلاشهایی صورت می گرفت تا مناطق شمالی آفریقا را به کنترل خود درآورد. به عنوان مثال، بر اساس گزارش موجود، ناوگان نیروی دریایی اسپانیا به دستور دان جان از اتریش (برادر فیلیپ دوم)، یک افسر عثمانی به نام محمد پاشا را به اسارت گرفته بود. محمد پاشا در طی مذاکراتی که درباره ی آزادی خود از اسارت داشت به دان جان پیشنهاد داد تا در فتح الجزایر به او کمک کرده، زمینه را برای ایجاد یک جبهه عظیم ضد عثمانی در شمال آفریقا فراهم کند. ^{xxxix}

کرونیکا در **بیست و پنج سال دوم** قرن هفدهم ترجمه شد. در آن زمان، نزاع ها بر سر مرزهای عثمانی و صفوی شدید بود و تنش های میان این دو حکومت به طور قابل توجهی بالا گرفته بود. در دوران حکومت مراد چهارم (۱۶۴۰-۱۶۱۲) بود که ارتش عثمانی حضور نظامی خود را در آناتولی و آذربایجان افزایش داده توانست شهرهای مهم صفویه همچون ایروان، تبریز، همدان و بغداد را (در سال ۱۶۳۸) فتح کند.

آن زمان نه تنها دوره ی شکست های نظامی برای سلسله صفوی به شمار می رفت بلکه دوره ی مشقت باری نیز برای حجاج شیعه ی ایران رقم خورد. مراد چهارم راههای شرقی -از بصره تا مکه- را که مسیر حرکت زائران ایرانی که قصد انجام فریضه حج را داشتند به حساب می آمد بسته بود. مراد همچنین دستوراً حجاج ایرانی را از مکه صادر نمود. اما شریفیان و یا سادات مکه در برابر فشارهای عثمانی ایستادند و با حمایت صفویان، به حجاج شیعه اجازه ورود به مکه را داده و از این رو از دستور پادشاه عثمانی سرپیچی کردند.^{xxxii}

از آغاز حکومت شارل اول در اسپانیا، توافق ها و همچنین ائتلاف بین پادشاهی اسپانیا و حکومت صفوی خبر از منافع ژئواستراتژیک می دهد که همه در راستای تضعیف امپراطوری عثمانی بوده است. شاه عباس دوم (۱۶۶۶-۱۶۴۲) در قرن هفدهم از فیلیپ چهارم درخواست حمایت کرد تا بتواند با ایجاد درگیری در داخل تونس توجه عثمانیان را از شرق به غرب معطوف کرده تا نهایت تحریم های علیه حجاج ایرانی لغو گردد. شاید این موضوع با این ماجرا همزمانی نداشته باشد که در سال ۱۶۲۵ تیموراز (طهمورث) یکم، پادشاه گرجی (۱۶۶۳-۱۵۸۹) در طی نامه ای رسمی به فیلیپ چهارم، از او خواست تا اقدام مشترکی علیه عثمانیان اتخاذ کنند.^{xxxiii} طهمورث پیشنهاد داد تا به کمک ارتش صد هزار نفره و با حمایت صفویان ایران و مسیحیان آسیای صغیر، پادشاه استانبول را بر کنار کنند. پیشنهاد طهمورث به فیلیپ در واقع تسخیر استانبول بود تا از این رو فیلیپ بتواند به تاج و تخت امپراتوری قسطنطنیه برسد.^{xxxiv}

اگر چه نمی توان به یقین گفت که مترجمی که کرونیکا را از عربی به اسپانیولی ترجمه کرد جاسوس بوده است و یا اینکه او انگیزه ای غیر از انگیزه های اعتقادی داشته است. اما این طور به نظر می رسد که ترجمه ی او گواه از رویدادهای حماسی دارد که بین ایران و اسپانیا از یک طرف و امپراطوری عثمانی از طرف دیگر، در آن زمان در حال اتفاق بود. بنابراین ظهور کرونیکا در درون محیطی کاملاً دور از انتظار، می تواند نتیجه ی حمایت مستقیم دولت از آن و یا حمایت های غیرمستقیم مانند فراهم ساختن شرایطی مناسب برای فعالیت های شیعیان باشد.

ما با ارائه ی روشی برای درک چگونگی ظهور یک متنی شیعی در جامعه سنی مذهب در قرن هفدهم، مشتاقانه در انتظار مشاهده ی تحقیقات بیشتر در زمینه ی حضور شیعیان در میان موريسكوها در تونس می باشیم. پژوهش در آرشیو دیپلماتیک اسپانیا می تواند کلیدی برای درک بهتر ما در این زمینه باشد. تجزیه و تحلیل مکاتبات دیپلماتیکی صورت گرفته میان پادشاهی اسپانیا و ایران در زمان صفویه در قرن هفدهم نیز به یقین به درک ما از روابط بین المللی در آن زمان، کمک خواهد کرد. اما تا زمانی که ما شناخت کافی از شرایط آن روز به دست نیاوریم، کرونیکا همچنان یک متن مبهم باقی خواهد ماند.

ⁱ Manuscript D. ۵۶۵ at Bologna University Library contains ۳۱۳ folios divided into three clearly defined parts. The first part is the *Corionica y relacion de la esclarecida descendencia xarifa*; the second is a work written by Ahmed Beiarano on autobiographical and ethical topics, and so on; and the third part belongs to a practical treatise of the Hanafi school. See Juan Penella, 'Introduction au manuscrit ID. ۵۶۵ de la Bibliotheque Universitaire de Bologne in *Recueil d'etudes sur les Inoriscos andalous en Tunisie* ed. Mikel de Epaiza & Ramon Petit (Madrid-Tunis: Institut° Hispano-Arabe de Cultura, ۱۹۷۳), ۲۵۹-۲۶۰.

ⁱⁱ Ma.hmud 'Ali Makki, 'AL-tashayyu€ Li ۱-Andalusi, in *Revista del Instituto Egipcio de Estudios Isluimicos en Madrid II* (Madrid, ۱۹۵۴), ۹۳-۱۴۹; A. Ghedira, 'Un traite inEdit al-Abbar a tendance chute', in *Al-Andahts XXII*, no. i (۱۹۵۷), ۳۰-۵۴; Ibn al-Abbar, *Maar al-Simt fi Kazoar al-Si/it* (Beirut, ۱۹۸۷); Maria Fierro Bello, *La lleterodoxia en AbAndalus durante el period° omeya* (Madrid: Institut° Hispano-Arabe de Cultura, ۱۹۸۷).

ⁱⁱⁱ L'Espulsia dels moriscos. Conseqfficiencies en el mein Islamic i en el mon cristid. ۳۸۰e aniversari tie l'expitisi€ this moriscos. *Congres Internacional, Sant Caries de la Rdpita* ۵-۹ de desembre de ۱۹۹۰ (Generalitat: Barcelona, ۱۹۹۴); A. Dominguez & A. Vicent, *Historia de los moriscos* (Madrid: Alianza Editorial, ۱۹۸۴); Mikel de Epalza, *Instalacien de Moriscos en Anatolia* (documento Temimi, de ۱۶۱۳)' in *Sharg al-Andalus*, no. ۱۳ (۱۹۹۶), ۱۴۵-۱۵۷; Mikel de Epalza, *Los moriscos antes y despues de la expulsion* (Madrid: Fundacion Mapfre, ۱۹۹۲); Mikel de Epalza & RamOn Petit (eds), *Recueil & Etudes*; S. M.

Zbiss, A. Gafsi, M. Boughanmi & M. de Epaiza (eds.), *Etudes sur les Morisques Andalous*, (Tunis, ١٩٨٣)

^{iv} Memoria de los Moriscos. Escritos y relatos de una diáspora cultural, (Madrid, no); A. Gafsi, 'Aproximación al estudio de los textos en árabe de los morisco-andalusíes en Tunisia' in *Sharq alAndalus*, no. ١٢ (١٩٩٥), ٤١٣-٤٢٨; Gerard Albert Wieggers, *Islamic Literature in Spanish and Aljamiado: Yfá of Segovia* (fl. ١٤٥٠, His Antecedents and Successors (Leiden: Brill, ١٩٩٤).

^vJuan Pendia Roma, 'El sentimiento religioso de los moriscos españoles emigrados: notas para una literatura morisca en Tenez', in *Actas del Coloquio Internacional de Literatura Aljamiada y Morisca III* ed. Alvaro Galmés de Fuentes (Madrid: GLEAM, ١٩٧٨), ٤٤٧-٤٧٤; 'Introduction au manuscrit D. ٥٤٥ de la Bibliothèque Universitaire de Bologne', in Mikel de Epalza & Ramon Petit, *Reused d'etudes*, ٢٥٨-٢٦٣. Los Moriscos españoles emigrados al_ fuerte de Africa después de la expulsión (unpublished PhD thesis, University of Barcelona, ١٩٧١, ٣ vols. A summary was published under the same title (University of Barcelona, ١٩٧٥).

^{vi}Jose F. Cutillas, texto chii en castellano del s. XVII en el universo cultural islámico de los moriscos expulsados, in *Sharq al-Andalus*, no ١٢ (١٩٩٥), ٣٩٣-٤٠٠.

^{vii}Jose F. Cutillas (ed.), *Cronica y relaciones de la esclarecida descendencia xarifá* (University of Alicante, ١٩٩٩).

^{viii} Luis F. Bernabe Pons, 'Notas sobre la cohesión de la comunidad morisca más allá de su expulsión de España', *Al-Aantara XXIX*, no. ٢ (٢٠٠٨), ٣٠٧-٣٣٢.

^{ix} Mikel de Epalza, 'Sidi Bulgayz, protector de los moriscos exiliados en Tunez (s. XVII). Nue-sips documentos traducidos y estudiados' in *Sharq Al-Andalus*, na's ١٦-١٧ (١٩٩٩-٢٠٠٢), ١٤٢.

^x In the text: ctraducido de areibigo en castellano en ninez, alio de ١٠٤٩' (fo. ١١.)

^{xi} Moriscos like al-Hajari al-Andalusi played the same role in Tunisia as translators. See Gerard Wiegers, *Life between Europe and the Magrib'*, in Geert Jan van Gelder & Ed de Moor (eds.), *Orientations — The Middle East and Europe: Encounters and Exchange I* (Amsterdam: Rodopi, ١٩٩٢), ١٠٩-١١٣.

^{xii} Luis Bernabe Pons, *El cantico ishimico del morisco hispanotunecino Taybili* (Zaragoza: Institucion Fernando el Catolico, ١٩٨٨), ١٣١.

^{xiii} Wiegers, Yfa Gidelli (fl. ١٤٥٠), *his Antecedents and Successors*, i٨٠.

^{xiv} Louis Cardaillac, *Moriscos y cristianos: tin enfrentamiento polémico*, ١٤٩٢-١٦٤٠ (Mexico: Fondo de Cultura Econemica, ١٩٧٩), ١٩٠. Reprinted in ٢٠٠٤.

^{xv} Like the *Rawdat al-Shuhada* (The Garden of Martyrs) of Husayn Waliz Kashifi (d. ١٥٠٤) in Persian or the *Hadigfat al-Sit'ada* (Garden of the Blessed) of Muhammad ibn Sulayman Fuduli (c. ١٤٨٣-١٥٥٦) in Turkish.

^{xvi} We know about the theatrical performances carried out by the Moriscos, which were gathered in the inquisition records about the Prophet and his companions. See Ridha Mami, *El poeta morisco. De Rojas Zorrilla al autor secret° de una comedia sobre Maboma* (Madrid, ٢٠١٠); Francisco Yndurain, *Los moriscos y el teatro en AragOn* Auto de la destruction de Troya y Comedia pastoril de Torcuato (Zaragoza, ١٩٨٦); J. Fournel-Gu&in, *le livre dans la communaute =risque aragonaise'*, in *Mélanges de la Casa de*

Velestifuez XV (Paris: Diffusion de Boccard, 1979), 254; F. Fernandez y Gonzales, *Estado social y politico de los mudijares de Castilla* (Madrid, 1866), 237.

^{xvii} See W. Madelung, 'al-Zamakhshari', in *The Encyclopaedia of Islam. Supplement XII* (Leiden, 2004), 840–841.

^{xviii} Mayel Baktash, 'Ta'ziyeh and its Philosophy', in Peter J. Chelkewski, 'Fa 'ziyeh, Ritual and Drama in Iran (New York University Press, 1979), 101–102.

^{xix} Taliyyah literally means: 'the fear of giving up something'. In the context of the early Shi'a it means the hiding one's faith when disclosure would expose one to danger, but can also refer to the caution practiced concerning divulgence of the imams' teachings. For an overview on the topic see R. Strothmann & M. Diebli, 'Takiya', in *El X*, (Leiden: Brill, 2000), 134–136; E. Kohlberg, 'Some imami Shici Views on Taliyyd', in *Journal of the American Oriental Society* 107 (1975), 395–402, reprinted in E. Kohlberg, *Belief and Law in imami Shicism* (Variorum: Aldershot, 1991); E. Meyer, 'Anlass und Anwendungsbereich der taqiyya', in *Der Islam* 60 (1984), 246–280; H. Enayat, *Modern Islamic Political Thought* (Macmillan Press, 1982), 175–181; Hans G. Kippenberg, *Die vorderasiatischen Erbsungsreligionen in ihrem Zusammenhang mit der antiken Stadtherrschaft*, (Frankfurt: Suhrkamp, 1991), see index: cketmate taqiyyd Josef van Ess, *Theologie und Gesellschaft im 2. und 3. jahrhundert Ilidschra: eine Geschichte des reit:giosen Denkens im friihen Islam* (Berlin: Walter de Gruyter, 1991), 312–315. For a more detailed view, see E. Kohlberg, 'Taqiyya in Mil. Theology and Religion', in *Secrecy and Concealment: Studies in the Pluto°, of Mediterranean and Near Eastern Religions* ed. Hans G. Kippenberg & Guy G. Stroumsa (Leiden: Brill, 1995), 345–380.

^{xx} Leonard P. Haney, 'Una referencia explicita a la legalidad de la practica de la taqiyya por los moriscoe', in *Sharq al-Andalus*, no. 12 (1995), 561–563.

^{xxi} Ibid., ٥٦٢, from Cambridge MS D. ٩,٤٩: fo. ١٢٤', pp. ٧-١٥. Tixo ten d'este rre:yno hablando de nuestro encerramiento: yo bien conocco qfue somos en una temporada de grande espanto, mas no por eso dexara Allah de darnos cauforizada si dexamos el proio de nuestro poderio en lo que toca al preceptario mandamiento. Ya cuanto Pamonestanca todos la podemos usar por la bia prebilejada i con los cantares ajenos por donde los cristianos hazen salha, pues todo debaxo de buena disimulanca, porque la buena doctrina, no la puede bedar ninguna ley, POT inumana gfue sea.'

^{xxii} Maria J. Rubiera Math, los moriscos como criptomusulmanes y la taqiyya', in Mudijares y moriscos, catnbios sociales y culturales (Actas del Simposio Internacional de Mudejarismo), ٢٠٠٤s ٥٣٧-٥٤٧

^{xxiii} Mikel de Epalza, los moriscos y sus descendientes, despues de la expulsion (Desput del cuadro del desembarco de Oran)', in La expulsion de los nwriscos. ١٤ de octubre de ١٩٩٧ — ٩ de junio de ١٩٩٨ (Valencia, ١٩٩٨), ٤١-٧٠.

^{xxiv} See e.g. Luis Bernal* 'La nacién en lugar seguro: los Moriscos hacia Ttnez', in Cartas de la Goleta II (Tunis, ٢٠٠٩), ١١٥; Abdelhakim Siama Gafsi, (Aproximacion al estudio de los textos en arabe de tos moriscos-andalusies en Tunisia', in Sharqr Andalus, no. ١٢ (١٩٩٥), ٤١٣-٤٢٨.

^{xxv} Mike! de Epalza, 'Moriscos et Andalous en Tunisie au XVII siecie', in Mike! de Epalza & Ramon Petit (eds.), Ratted d'audes, ١٧٣.

^{xxvi} Ibid., ١٧٤.

^{xxvii} Abdelmajid Turki, 'Documents sur le dernier exode des andalous vers la Tunisie, in M. de Epalza, & Ramon Petit, *Recueil & etudes*, ١١٤–١٢٣; Nabil I. Matar, *Europe through Arab Eyes*, ١٥٧٨–١٧٢٧ (New York: Columbia University Press, ٢٠٠٩), ١٩٤–٢٠٠.

^{xxviii} Baktash, 'fa 'ziyeh and its Philosophy', ٩٤.

^{xxix} On the intricate espionage network at the time of Philip II in Istanbul, see Jose M. Floristan Imizcoz, *Fuentes para la politica oriental de los Austria & Documentacion Griega del Archivo de Simancas* (١٥٧١–١٦٢١) II (University of Leon, ١٩٨٨) (Capitulo V. Espionaje y Contraespionaje), ٥٧٩–٦٢٠. For Algeria and Istanbul, see Emilio Sola & José F. de la Peña, *Cervantes y la Berberia. Cervantes, mundo turco-berberisco y servicios secretos en la época de Felipe II* (Madrid: Fondo de Cultura Economica, ١٩٩٥), ٧١–١٨٢.

^{xxx} Luis F. Bemab & Pons, *Notas sobre la cohesión de la comunidad morisca*, ٣٠٧–٣٣٢.

^{xxxi} See e.g., Sola & de la Peña, *Cervantes y la Berberia*, ٩٤.

^{xxxii} See Marco Salati, 'Toleration, Persecution and Local Realities: Observations on Shiism in the Holy Places and the Bilad at-Sham (١٦th–١٧th centuries)' in *Convegno sul Tema La Sibi'a nell'imperio ottoman* (Rome: Accademia Nazionale dei Lincei, ١٩٩٣), ١٢٤; C. H. Imber, 'The Persecution of the Ottoman Shiites according to the *mefizinme defterleri*, ١٥٦٥–١٥٨٥', in *Der Islam*, no. ٥٦ (١٩٧٩), ٢٤٥–٢٧٣.

^{xxxiii} See Jose M. Floristan Imizcoz, *Fuentes para la politica oriental de los Austrias. Documentacion Griega del Archivo de Simancas* (١٥٧١–١٦٢١) II (University of Leon, ١٩٨٨), ٥٠٧–٥٢٢, and ch. ٤ 'Espana-Georgia', ٥٨٨–٦٢٨.

^{xxxiv} *Ibid.*, pp. ٥٤٦–٥٤٧.